

اسطوره و آیین

● باجلان فرخی

و کاهش تنش است، پدیدار می‌شود، مثل تمنای باران، تمنای شکار و صید و جز آن. به این ترتیب رسم و آیین غالباً مفهومی مترادف، اما کاربردی متفاوت دارند و وجود دو اصطلاح بازگویی تفاوت اندک آن‌ها است. از دید جامعه‌شناسی، آیین‌ها در جهت تشکیل دقیق رفتارهای گویا مثل رقص، مویه و فریاد زدن در جهت برآوردن نیازهای روانی پدیدار می‌شوند و مراسم متوجه پیوند ارزش‌ها و بیان احساسات و اعمال گویاست. هویجر از آیین به عنوان «راهنمای اجرای اعمال

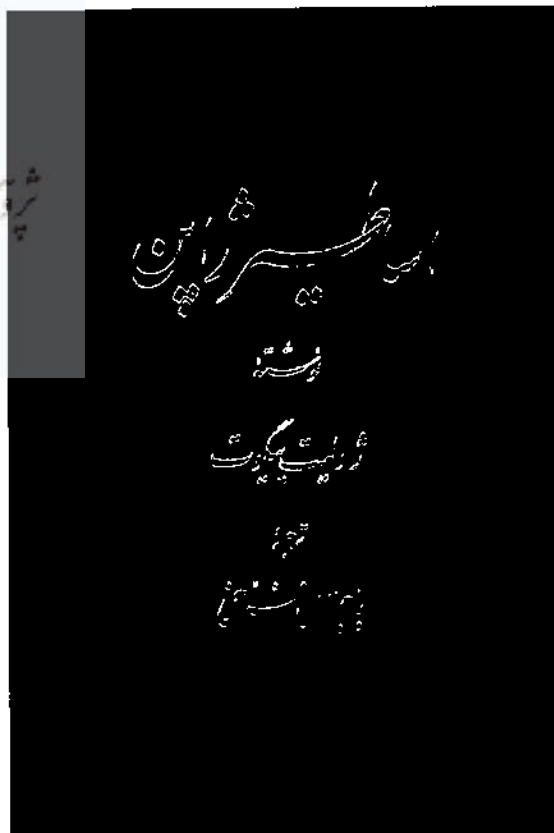
از دید لوی اشتروس انسان‌شناس، معنی اسطوره فراسوی نمود روایتی آن و با راه بردن به این فراسو است که می‌توان آن را شناخت. از این دید، تحلیل دقیق همه رخدادهای و اجزای روایت اسطوره‌ای و طبقه‌بندی دیگربراره آن‌ها و بررسی دیگرگونی هر اسطوره در گذر زمان است که شناخت آن را میسر می‌سازد.

اسطوره را کاربردهای گوناگونی است و در حوزه‌های آیینی، مراسم، کیش، راه‌بردن به خاستگاه و پایان هستی، به ویژه در جلوه‌های مختلف هنر پدیدار و شناخت برخی از این مفاهیم، درک اسطوره را آسان‌تر می‌سازد. در توجه به آیین ritual از دید لیچ مراد از آیین، نمودهایی از رفتار رسمی است که بی آمد تکنولوژیکی مستقیم ندارد. اسطوره‌های آیینی نمادین‌اند و با این همه، الزاماً قصدی را دنبال نمی‌کنند و آیین‌گزار بر آن نیست که چیزی را تغییر دهد. واژه آیین که در گذشته به معنی آداب و رسوم به کار می‌رفت در گذر زمان در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی رسمی است که اهمیت استثنایی موقعیتی خاص را جلوه‌گر می‌سازد و به این ترتیب در کاربرد عملی این تعاریف به دشواری تفکیک می‌شوند. از سوی دیگر، آیین رسمی است که هدفی را دنبال می‌کند و همانند آداب سلوک در جنبه رسمی رفتار پدیدار می‌شود. نیندل هر رفتاری را که درجه‌ای از انعطاف‌ناپذیری را نشان می‌دهد و علتی برای هدف‌های آن ذکر نشده آیین می‌داند.

از دید هانینگمن مراسم یا رسم آیینی ritual ceremony احساسات مشترک و نگرشی است که در موقعیت مناسب و خاص به عمل درمی‌آید و سرشتی نمادین دارد و بانگرش احترام، وفاداری و تکریم آمیخته است و باتوجه دقیق به شکل رفتار، شکل می‌یابد. از دید کنفسیوس و رادکلیف براون «مراسم عامل بیان منظم احساسات متناسب با یک موقعیت اجتماعی بسیار کهن است». رسم ceremony مزید بر بیان احساسات گاهی از چند عنصر نمادین کمک می‌گیرد مثل ساغرریزی، قربانی کردن، سلام دادن... و همیشه در انجام مراسم تعاملی وجود دارد و گاهی در رسم تحذیراتی است و از ابزار مختلفی چون پرچم، کتل، صلیب و... استفاده می‌شود و آماج بسیاری از این مراسم، باشندگان متافیزیکی است. مراسم در نمودهایی که شکل دنیوی دارد مثل آداب گذر rite of passage که فرد یا گروه را یاری می‌دهد از مرحله بحرانی بگذرد و کارکردن آن آداب تمکین و تشدید

گفتنی است که ویژگی ساختاری اسطوره تعریف آن را مشکل می‌سازد. در نگاهی تقدس، اعجاز‌انگیزی و ابهام، اسطوره را در زمانی بی‌مرز شکل می‌دهد. هریک از این خصوصیات با دیگری پیوند دارد و باز این مجموعه است که اسطوره را پدیدار می‌سازد و اجزاء آن به تنهایی روشن‌گر نیست. از سوی دیگر اسطوره را می‌توان از دیدگاهی که به آن می‌نگریم موردتوجه قرار دهیم و آن را در تمدنی که در آن شکل گرفته است بشناسیم، اسطوره در کلام، رفتار و تصویر پدیدار و هم به این دلیل است که هنر برترین زبان اسطوره است.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، اسطوره نه یک روایت مقدس که مجموعه ذهنیت اجتماعی یک گروه اجتماعی است و نظام ارزش‌های پنهان در آن را در برمی‌گیرد؛ و چنین است که اسطوره همیشه مربوط به گذشته نیست و در جامعه نو نیز پدیدار می‌شود و پیدایی چنین نمودی ارجاع به گذشته است.



مذهبی» و از مراسم به عنوان «در بردارنده شماری از آیین‌های به هم پیوسته که در زمان مشخص به اجرا در می‌آیند» یاد می‌کند. نمونه گویایی از مراسم در شعر زنگ‌ها The Bells از ادگار آلن پو شاعر بزرگ آمریکایی دیده می‌شود. در شعر زنگ‌ها آلن پو از نوای متفاوت زنگ‌ها در پرداخت شعر شگفت‌انگیز خود بهره می‌گیرد. هر زنگ نمادی است و طنین هر زنگ افزون بر کمک به ساختار این شعر ریتمیک، مفهومی خاص را در بردارد. طنین زنگ نقره‌ای که به هنگام تولد، نام‌گذاری و غسل تعمید در کلیساها نواخته می‌شود نوای موزونی است که یادآور مرحله گذر زادن و مراسم خاص آن است. در این شعر زنگ طلایی که به هنگام انجام مراسم ازدواج نواخته می‌شود و در مراسم زناشویی در فرهنگ‌های دیگر با ضرباهنگ‌های دیگر، یادآور ورود به مرحله جدید است.



طنین ریتمیک زنگ یا ناقوس مفرغی که به هنگام پیدایی رویدادهای نابهنگام زندگی چون سیل، آتش سوزی، یورش دشمن و شیوع یک بیماری کشنده در کلیساها نواخته می‌شود، وسیله‌ای برای تسهیل گذر از چنین مرحله‌ای است و سرانجام ناقوس آهنی که چون زنگ‌های دیگر برای هرکس به صدا در می‌آید ناقوسی است که با نوای رعب‌انگیز و بغض‌آلود ورود به گذر مرگ را خیر می‌دهد و نوای آن گذر را برای سوگواران آسان می‌سازد. ۱. کیش Cult اما در زیر بخش آیین قرار می‌گیرد و در انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ترکیبی از سازمان آیینی، فعالیت‌ها و باورهایی است که توتهم، خدا، روح یا جمعی از این شمار را در جامعه‌ای خاص یا شماری از جوامع در بر می‌گیرد. کیش در جامعه‌شناسی شکلی از اعتقاد آیینی است که سازمان و تداوم آن از اصطلاح فرقه یا معبد، کنیسه و کلیسا کم‌تر و اختصاصی‌تر است. از دید ویلیام کولب، کیش را سه کاربرد اصلی است که دو کاربرد آن در حوزه انسان‌شناسی و یک کاربرد آن در قلمرو جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد: ۱. برخی انسان‌شناسان کیش را مجموع نهادهای دینی جامعه به ویژه جامعه پیش از خط می‌دانند ۲. اکثر انسان‌شناسان کیش را انبوهی از باورها و اعمال دینی تعریف می‌کنند که با خدایی خاص یا



مصر و مهرپرستی در منطقه گسترده‌ای از جهان، پرستش خورشید و جز آن. جامعه‌شناسان کیش را نوع ناپایداری از سازمان مذهبی می‌دانند که به جامعه‌ای که به سرعت گرایش مذهبی را از دست می‌دهد یا جامعه فرد و پاشیده و بی‌سازمان اختصاص دارد و به این‌سان کیش، چیزی بسیار فردگرایانه و سست بنیاد است و از دید بکر «تمایلات دینی است که خصلت کاملاً خصوصی و شخصی دارد و رهرو چنین کیشی غالباً به تجربه‌های خلسه‌آور کاملاً شخصی و دست‌یابی و رستگاری و آرامش و شفای روحی یا جسمی عنایت دارد».

اسطوره را انواع گوناگونی است و از این شمار است:
۱- اسطوره آیینی ritual Myth

این گونه از اسطوره‌ها که غالباً از کاخ‌ها و معابد شهرهای کهن گرفته شده گویای راه و آیینی است که کاهنان معابد کارگزار آن بودند و کارهای آیینی که توسط این کاهنان انجام می‌گرفت با کلام و اوراد همراهی می‌شد و هر رسم آیینی برگرفته از اسطوره‌ای و بخشی بود که در زبان یونانی موتوس Muthos (بخش بیانی اسطوره) نام دارد و اسطوره زیرساز و سرگذشت این آیین‌ها و کارکرد آن در بودن جامعه‌ای بود که اسطوره در

چندین خدا ارتباط دارد و نهادهای مذهبی جامعه را شکل می‌دهد و کارگزاران آن نیز چیزی از این مجموعه‌اند. ۳. برای جامعه‌شناسان، کیش، یک گروه مذهبی اقلیت تقریباً بدون ساختار و فردمدار است که خصوصیات آن را جدایی و بیگانگی اعضاء جامعه بزرگ‌تر تعیین می‌کند، از این شماراند کیش دیونیزوس و کورته در یونان باستان، کیش اوزیریس در

و روز دوازدهم تندیس خدایان را به معابد آنان باز می‌گردانند.

روایت نه‌نومه نلیس که در روز چهارم جشن توسط کاهنان هم‌سرای می‌شد روایت آفرینش بود و سه لوح از هفت لوح بزرگ آرشو آشوربانیپال به آن اختصاص داشت:

هنگامی که در فراز آسمان را نامی بود
در زیر، زمین استوار نامی نیافته بود
جز پسوی آغازین و هستی‌بخش هیچ نبود
دریاها در هم شده و تنی واحد داشت،
نه کلیه‌یی از نی بود و نه سرزمین بانلاقی شکلی
یافته بود.

هنگامی که هیچ خدایی هستی نیافته بود
هنگامی که خدایان در دل آنان شکل داشتند،
پس لهما و لهماو هستی یافتند و چنین نام گرفتند،
انان بالیده و سالمند شده بود.
انشار و کی‌شار شکل گرفتند و بر یکدیگر پیشی
جستند.

روزها را بودند و سالیان را می‌اندوختند
نه‌نو وارث آنان و هم چشم پدر بود
نه‌نو فرزند ارشد انشار همال او شد
و در شاکله‌خو نودیمود را هستی بخشید.

۲. اسطوره‌های خاستگاهی Myth Original

اسطوره‌های خاستگاهی یا علت‌شناختی myth Aetiological از شکل‌های دیگر اسطوره و کارکرد آن بیان خاستگاه یا علت هر چیزی است. داستان پیدایی پرندگان، گل‌ها و ساختارهای فیزیکی مختلف از این شمار و پدیدآورنده چنین اسطوره‌هایی است، مثلاً در اساطیر چین پان گو مردان و زنانی را از گل پیمانه می‌زند و با دمیدن عنصر ینانگ (نرینه‌گی) و بین (مادینه‌گی) در آنان وقتی مشغول خشک کردن آنان در کوره خورشید است ابری سیاه خورشید را می‌پوشاند و این‌گو که دچار وحشت شده است شتابان تندیس‌ها را با چنگال از کوره بیرون می‌آورد و برخی از تندیس‌ها آسیب می‌بینند و چنین است که انسان‌های شل و چلاق پدید می‌آیند. در افسانه‌های مردمی ایران ستاره دب‌اکبر یا هفت برادران ستارگانی است که هفت برادرند که تابوت پدر را بر دوش دارند و در جستجوی مکانی برای تدفین پدر خویش‌اند.

۳. اسطوره کیش Cult Myth

اسطوره کیش غالباً توصیف‌کننده شرایط و حالت ویژه‌ای است و کارکرد آن در جهت تداوم آن شرایط و حالت قرار می‌گیرد. با پیدایی ادیان چند خدایی در دوره مفرغ و بعد ادیان تک خدایی در دوره آهن اسطوره کیش کاربرد گسترده‌تری می‌یابد و در ادیان تک خدایی به جای اتکای بر جادو قواعد اخلاقی است که بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. در کیش کشاورزی و اسطوره‌های معطوف به چرخه کشاورزی در خاور نزدیک نزول ایشتر اشارتی است به رشد و پژمردن گیاهان و توجه به ماجرای مرگ و زندگی و همانند این اسطوره کیش در اسطوره ادونیس در فنیقیه، اسطوره بعل و مت در کنعان، در یونان اسطوره کورنه و رازهای الوزیس و در ایران اسطوره سیاووش



می‌افکنند و از زیست‌گاه مردم دور می‌کردند. به آن صورت که در کنعان بز طلیقه را از صخره‌ها به زیر می‌افکنند (میکاه نبی ۷: ۲۰-۱۸) این مراسم یادآور کفاره دادن یهودیان در مراسم کیپور و مراسمی است که مردم طی آن در جشن سال نو از شهر به بیابان می‌رفتند و تا پایان جشن در بیابان می‌مانند.

در بابل در همین روز شاه کاخ خویش را ترک و جای خود را در معبد مردوخ واگذار می‌کرد. در اوج مراسم، شاه لباس شهریاری را از تن به در می‌کرد و مورد ضرب‌وشتم کاهن قرار می‌گرفت. شاه متواضعانه در برابر تندیس مردوخ زانو می‌زد و همه بدی‌ها و پرخاشگری‌هایی را که به او نسبت می‌دادند انکار می‌کرد و از دادگری و پیروزی بر کائوس یا آشفتگی سخن می‌گفت. شاه دست مردوخ را در دست می‌گرفت تا تجسمی از جانشینی خدا باشد و دیگر بار به سلطنت باز می‌گشت. در این هنگام کاهن سیلی محکمی بر گونه شاه می‌نواخت و اگر این سیلی اشک از چشم شاه جاری می‌کرد آن را به فال نیک می‌گرفتند و تصور بر این بود که این جادوی تقلیدی موجب نزول باران خواهد شد. در ایران ماجرای میرنوروز و حکومت پنج‌روزه او نیز یادآور رویکرد به چنین آیینی است.

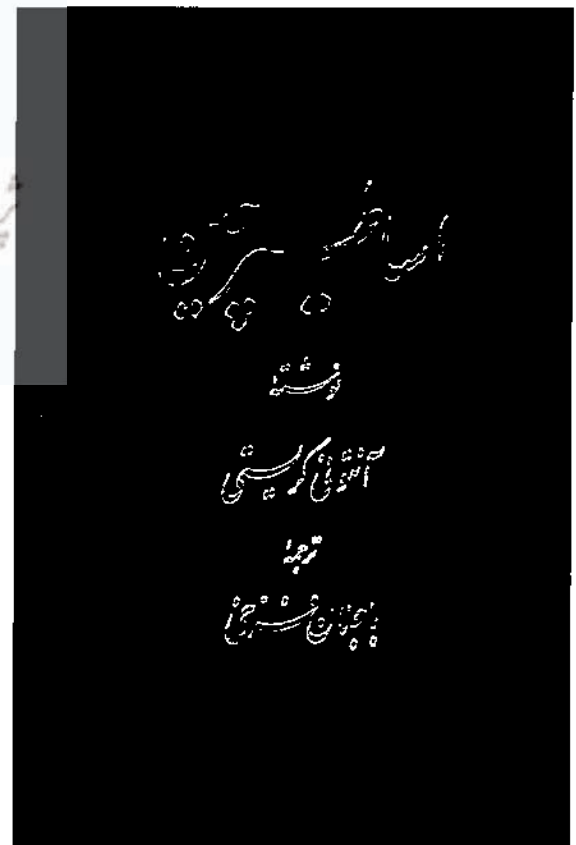
روز ششم مراسم بابلی با فرارسیدن نیو پسر مردوخ از سرزمین همسایه برگزار می‌شد و روز هشتم این مراسم به گزینش مردوخ به شهریاری اختصاص داشت. روز نهم با گزارش پیروزی مردوخ به تیه‌مت ادامه می‌یافت و روز دهم بحران پایان می‌گرفت و جشن با ضیافت خدایان همراه بود. روز یازدهم جشن بابلی با تثبیت سرنوشت طبیعت و جامعه در سالی که در پیش بود پایان می‌گرفت

آن شکل می‌گرفت و کار آیین فراهم کردن شرایطی بود که زندگی اجتماعی به آن شرایط وابسته بود و به این ترتیب شاید اسطوره آیین، کهن‌ترین اسطوره‌ها است. در میان رودان نمودی از اسطوره آیین را در جشن آیینی سال نو، که با عبارت نه‌نو مه‌نلیس (هنگامی که در فراز) آغاز می‌شد می‌توان دید.

زمان آغاز این جشن، چهارمین روز جشنی یازده‌روزه بود که روایت آن از بقایای کتابخانه آشور بانیپال واقع در نینوا در میان رودان جنوبی به دست آمد. الواح این روایت از هزاره اول پیش از میلاد و زمان آن به هزاره دوم پیش از میلاد باز می‌گردد.

سند مربوط به این اسطوره آیینی از مراسمی است که حدود ۳۰۰۰ سال پیش نیز برگزار می‌شد و موتوس اسطوره مربوط به چهارمین روز جشن است.

جشن آیینی سال نو بابلی گزارشی از احیاء بود. در تقویم قمری این منطقه نخستین چهار روز سال نو از تقویم حذف و چنین بود که این جشن‌ها در چهارمین روز سال نو آغاز می‌شد. بخش موتوس یا روایت کلامی اسطوره با همخوانی و برگردان بخشی از این اسطوره در جهت همدلی یا مردوخ (مردوک) در کوهساران یا جهان زیرین همراه و به گونه‌ای به کیش کشاورزی نیز راه می‌یافت. روز پنجم معبد را آب و جارو می‌کردند و بخور می‌سوزانیدند و در مراسمی آیینی همانند مراسم قربانی کردن بز طلیقه در اسرائیل، گناهان و ناتوانی‌های جمع را در گوسفندی متمرکز و گوسفند را قربانی می‌کردند. تن گوسفند را از دیوار مذبح نیو (واسطه بین انسان‌ها و خدایان) می‌آویختند و سرانجام سروتقن قربانی را به رود



نموده‌هایی از این گونه است. در اسطوره نزول ایشتر به جهان زیرین دموزی یا تموز به جهان زیرین می‌رود و خدا بانوی حاصلخیزی سومری اینانا و ایشتر خدایانوی سامی به جستجوی او به جهان زیرین می‌روند. در روایت آکادی آمده است که:

خاطر ایشتر به زمین بدون بازگشت روی آورد

به قلمرو نهرش کی گل
خاطر دختر سین آشفته بود
به خانه تاریکی و ماوای تیرکل
له می‌اندیشید

به آن جا که ساکن آن را
بازگشتی نیست

راهی که آن را بازگشتی نیست
خانهای که ساکنان آن
مرده‌گان‌اند

آن جا که خوراک آنان غبار و
گل قوت آنان است

جایی که مقیم آن را تاریکی
است

جایی که تن‌جامه آنان بال
انان است

آن جا که در و کلون در، در غبار
نشسته است

در این روایت در غیاب ایشتر و رفتن او به دنبال تموز زمین سترن می‌شود:

نر گاو در ماده گاو نمی‌تازد
نرخر ماچه خر را بارور نمی‌کند
و در شهر هیچ مردی زنی را
باور نمی‌سازد

و سرانجام ایشتر دلدار دوران جوانی خویش را
می‌بیند:

و سرانجام ایشتر دلداة روزگار جوانی ایشتر بیدبار
شد

تن او را به آب زلال شستند و با روغن شیرین تدهین
کردند

بر او جامه‌ای سرخ پوشیدند
اجازه یافت در قلوبت لاژورد بدمد

و رخصت یافت زنان عشق او را از مهر خود برخوردار
سازند

و سرانجام لوح یا دعایی پایان می‌یابد:
باشد که مرده برخیزد و بوی خوش بخور استشمام
کند

در دوره تک خدایی سه جشنواره عیدسبت، عیدفصح
و عید فوریم که دو عید اول از آغاز امکان بحرانیان و عید
سوم بعد از اسارت در بابل رواج می‌یابد هر یک نموده‌هایی



از کاربرد اسطوره کیش
است.^۴

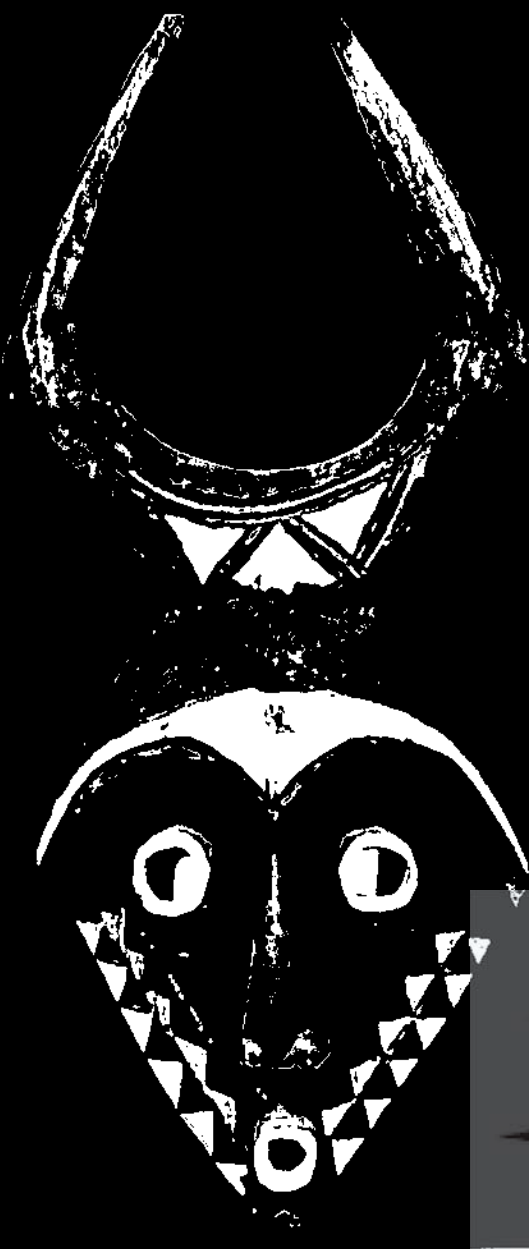
۴- اسطوره اعتبار و شخصیت Prestige Myth

کارکرد این گونه از اسطوره‌ها ایجاد اعتبار و شخصیت برای قهرمانان و مکان‌ها است. از این شمار است رویای مادر بودا: «مهامایا شهبانوی شهر سودودانا شهریار کپله‌تو شبی به خواب دید که فیلی سفید در بطن‌اش جای گرفت. باردار شد و بطن او به هیأت دُرّجی بلورین درآمد. نیاز به اندیشیدن به خویش مهامایا را به جنگل کشانید و در جنگل

در زیر درختی از پهلوی زاید. کودک به هنگام تولد کاملاً هشیار و چون خورشید می‌درخشید. کودک شروع به جست و خیز کرد و به هر جا که گام نهاد بر رد پای او گل نیلوفری سربرآورد. کودک به چهار جهت اصلی نگرست، به چهار جهت غیراصلی نگرست، به بالا نگرست، به زمین چشم دوخت و خدایان و انسان‌ها را دید که او را به بزرگی پذیرفتند. هفت گام به جانب شمال برداشت و از پس هر گام‌اش گل نیلوفری سربرآورد. آئینه فرزند هیمالیا زادن او را تهنیت گفت و او را به ساکننده پسر اگنی تشبیه کرد. پیشگویان گفتند یا امپراتوری بزرگ می‌شود و یا همه چیز رها می‌کند و بودا می‌شود. او را سیدرته نام نهادند و در ضیافتی که به هنگام تولد او به افتخار وی برپا شد هشت هزار خوشاوندان او و یک صد و هشت برهمن شرکت جستند و یک صد زن مادر تمیدی او شدند...»^۵ تولد رمولوس و رموس، تولد گیل‌گمش، تولد رستم، تولد هراکلس. بسیاری از این قهرمانان و شخصیت‌ها از پورخدایان‌اند و تأمین شب‌نامه برای قهرمانان و شهرهای کهن در کتاب مقدس عهد عتیق نیز رواج دارد و از آن شمار است داستان‌های ایلیا و الیشع و شمشون.^۶

۵- اسطوره فرجام Eschatological Myth





از هفت دروازه می‌گذرد. قرارگاه اوزیریس بعد از دروازه دهم و او شهریار مرده‌گان است. هریک از هفت دروازه سه پاسدار دارد و هیچ کس نمی‌تواند بدون دانستن نام این پاسداران و برزبان راندن نام آنان از این دروازه‌ها عبور کند. هریک از این دروازه‌ها تحت مراقبت یکی از خدایان و دروازه‌بانی که مرده نام او را بر زبان جاری می‌سازد رفتارهای مرده را گزارش می‌کند و با عبور از این دروازه‌هاست که مرده به قلمرو سعادت ازلی راه می‌یابد.^۴ در اساطیر چین کوه گون‌لون بهشت مردگان است. در اساطیر یونان خدای مرده‌گان هادس به معنی نامریی فرمانروای دنیای زیرین و تاتاروس یا دوزخ است. هادس در مقر خویش با یاری ارواح و شیاطین فرمان می‌راند و هم اوست که مرده‌گان را از بازگشت به دنیای زندگان باز می‌دارد.

در بندهش آمده است که پس از مرگ، روان مرده سه‌شب در کنار سر وی می‌نشیند و شب سوم در بامداد بادی به استقبال او می‌آید. اگر نیکوکار است بادی تیز و فرح‌بخش و اگر گناه‌کار است بادی کند و گندناک (بعد مرده بر گاوی می‌نشیند و اگر نیکوکار است بر گاوی زیبا و فربه و اگر گناه‌کار است بر گاوی نزار و زشت و تا بن البرز کوه می‌رود و از بن تا فراز را پلی است که بر آن تینی قرار دارد و گاو باید از آن تیغ بگذرد. اگر مرده نیکوکار باشد تیغ

اساطیر آفریقا

دشت
جوزفی پارسندر

باجلان شندی

این گونه از روایت‌های اسطوره‌ای با اوضاع و احوال جهان پس از مرگ و فرجام کار جهان پیوند دارد و در بسیاری از آیین‌ها در سخن از آن جهان، زبان اسطوره کاربرد می‌یابد. در اساطیر بین‌النهرین تهرش کی‌گل و نرگل خدایان توانمند جهان زیرین‌اند. در این روایت تهرش کی‌گل یا آلتو خدایانوی جهان زیرین و نرگل خدای ویرانگری است که ابزار او آذرخش و طاعون و پاسداران او چهار دروازه جهان زیرین را پاسداری می‌کنند. در بخش ۴۶ کتاب مرده از مصر باستان، مرده پیاپی

به پهنا پدیدار شود و اگر مرده گناه کار است تیزی تیغ نمایان گردد و مرده در دوزخ افتد. و در روز رستخیز مرده در حضور سوشیانس حاضر شود و پرهیزکاران به گروه‌مان و بدکاران به دوزخ روند و در چنین روزی است که زمین



بی‌فراز و نشیب شود و همه‌گان را سوشیانس دلاوری کند. به این ترتیب اسطوره‌ها هریک به گونه‌ای و با جهتی خاص با آیین‌ها پیوند می‌یابند و از دید بسیاری از پژوهندگان تئوکرات شکل‌های مختلف این روایت‌ها راهی است به اثبات آنچه در دوره‌های مختلف زندگی انسان از عصر سنگ تا آهن و سرانجام تکنولوژی به شکل خاص خویش آشکار می‌شود و هم از این دید است که:

«من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد بدین دیر خراب آبادم».

و ساختار هر اسطوره به گونه‌ای است که زمان پیدایی آن را مشخص و چگونگی شکل‌گیری آن را کمابیش مشخص و این نکته‌ای است که پیش از این سخن رفته است.^۱
مأخذ:

1- A dictionary of social science J. Gould.

Woolb. فرهنگ علوم اجتماعی، انتشارات مازیار

2- Joseph Campbell

Original, Myth, Creative

Sovienir

3- Mircea Eliade,

Myth dream and Mysteries

4- Hook Middle eastern Mythology

اساطیر خاورمیانه ترجمه بهرامی، مرادی

۵- کتاب مقدس عهد عتیق

۶- قاموس کتاب مقدس جیمز هاکس طهوری،

اساطیر

۷- بندهش برگردان مهرداد بهار، انتشارات توس

۸- پژوهشی در اساطیر ایران، مهرداد بهار، انتشارات

توس

۹- فرهنگ واژگان نو، انتشارات مازیار

۱۰- از مجموعه اساطیر جهان: هند، چین، مصر،

خاور نزدیک، یونان... انتشارات اساطیر، ترجمه باجلان

فرخی

پی‌نوشت‌ها:

۱. زنگ‌ها، ترجمه باجلان فرخی، مجله جهان نو،

تابستان ۱۳۴۷، ص ۱۷۶.

۲. اساطیر خاور نزدیک، جان‌گری، ترجمه باجلان

فرخی، انتشارات اساطیر

۳. اساطیر چین، آنتونی کریستی ترجمه باجلان

فرخی انتشارات اساطیر

۴. باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام، باجلان

فرخی از انتشارات مرکز مردم‌شناسی ایران

۵. قاموس کتاب مقدس جیمز هاکس انتشارات

طهوری و اساطیر و کتاب مقدس عهد عتیق

۶. اساطیر هند، ورونیکا ایونس، ترجمه باجلان

فرخی، انتشارات اساطیر.

۷. کتاب مقدس و قاموس کتاب مقدس، همان

۸. اساطیر مصر، ورونیکا، ترجمه باجلان فرخی،

انتشارات اساطیر.

۹. کتاب جمعه آفرینش در اساطیر.

